

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س. رها  
۲۴ مارچ ۲۰۱۴

## تحول یا تداوم؟!

در این روزها، کوی و برزن وطن تحت اشغال ما مملو است از تخته های کلانی که روی آنها عکس های اکثنی وهالیوودی از جنایتکاران هزار سر، نقش گردیده اند. امروزها همه کس، راننده وکلینر، دکاندار وناو، خیاط ومُچی... همه از مضحکه ای سخن می رانند که به اصطلاح، انتخابات نامندش. انتخاباتی که در سایه اشغالگران حیوان صفت، قرار است چند روزی بعد در این ویرانکده صورت گیرد.

در این که مضحکه ای را که مردم ما در شانزدهم حمل سال جاری قرار است با آن روبه رو شوند، نه انتخابات بلکه انتصابات است، اظهار من الشمس است وتردید نمی توان داشت؛ اما جالب این جا است که کسانی که من حیث مثلاً کاندیدا در این انتخابات نام نویسی کرده اند وبعد از طی مراحل چندی وگذر از فلتر وچلوصاف «سی.آی.ای» موفق شدند تا در این روزها با نهایت بی شرمی و وجدان باختگی، جهت لیسیدن خون از سر و روی باداران ناتوئی، خود وهمپالگان شان سگ دوی کنند؛ گاهی اوقات دچار چنان تناقض گوئی می شوند که یارای رهانیدن از آن را ندارند. چند شب قبل، سیاف خونخوار از چینل تلویزیون استخباراتی اش بالای دیگر همپالگانش پارس داشت:

«کسانی که از خارج آمدند، صرفاً یک دریشی باخود داشت ولی حالا بالای گنج قارون خواب اند وبه علاوه، خود را کاندید هم کرده اند.» ویا مثلاً جمله ای که عبدالله مزدور وآله دست امپریالیزم، همیشه آن را در سخنانش تکرار می کند: «برای ما قدرت بدهید تا قدرت را برای شما بازگردانیم.» و...

این ها همه به فکاهیاتی می مانند که دیگر عاجز از آن اند تا خنده خواننده ویا شنونده را برانگیزانند. کافی است که از این به اصطلاح پروفیسور سیاف پرسیده شود: ما از آن کسانی که با دریشی آمده بودند وحالا بعد از چوشیدن خون خلق ما واخذ حق الزحمه جاسوسی ونوگری شان، به سرمایه داران افسانه ئی میدل شده اند، دفاع نمی کنیم؛ ولی یک چیز برای گنگ مانده وآن این است که اگر جناب سیاف خودت امروز نتوانی فقط باجیب چیت تمام دار وندار هم کاسه های نکتائی پوشت را بخری، حداقل سرمایه خودت کمتر از سرمایه آن ها نیست؛ حالا شما بفرمائید روشن سازید که مگر خودتان این همه مال ومنال را از شکم مادر باخودتان بیرون آوردید؟!

هنگامی که کر به کور می خندد، بیشتر از این که مضحک باشد، تراژیک است! با آن هم، باید درک کرد. ولی از آن عده جاسوسانی که تمام عمرشان را مصروف این بودند که مذهب ومکتب مزدوری وچاپلوسی وعوام فریبی را به شکل بهترش بیاموزند وجهت نیل به این مقصود، امپریالیست حامی را متحمل چه «آب سرخشک کردن» هائی که نکردند؛ حداقل در گفتارشان نمی توان پیش بینی تناقض گوئی هائی از نوع بالا را کرد. ضدونقیض گوئی هائی که بیشتر از این که نمایانگر «مغز متفکر» و«روشنفکر» بودن گویندگان شان باشند، سندی جهت اثبات روانی بودن شان است.



در تصویر بالا، ما عکسی از «اشرف غنی احمدزی» را می بینیم که در وسط دو جنایتکار دیگر جای خوش کرده است. اشرف غنی که به دستور صاحبان امریکائی اش امروز برچسب «کاندید ریاست جمهوری» را در پس و پیش خود چسبانده است، از آن عده سرسپردگان و خود فروخته هائی است که از عنفوان طفولیتش تا کنون، در زیر چین «سی. آی. ای.» غنوده و وظیفه جاسوسی و خود فروختگی را به صورت حرفه ئی آموزش دیده است و باری هم همین مزدور از جانب همان صاحبانش، عنوان «مغز متفکر دوم جهان» را از آن خود کرده بود تا بیشتر از پیش خر شده و در راستای برآورده نمودن اهداف صاحبان، تشویق و تحریص بیشتر گردد.

در سمت راست این مغز متفکر، ما یک جلادی را تماشاه می کنیم (رشید دُستم) که کرگدن های وحشی را شبیه است، اما زمانی که کارنامه سیاه جنایت این مزدور در پیش روی ما مجسم می شود، کرگدن در برابرش قیافه یک فرشته را اختیار می کند. در سمت چپ «مغز متفکر»؟!؟! تندبسی سرپا ایستاده است (سرورد دانش) که پیکر تراشی اش توسط ولایت فقیه و خمینی جلاد صورت گرفته است.

خواننده عزیز شما حتماً در خصوص هریکی از این جانپان و خائنان چیزهائی می دانید و برای تان نیک مبرهن است که نه چوچه های «یانکی» فرشته از آب در می آیند، نه کسانی که در کوره وحشت و جنایت آفرینی رژیم منفور ترکیه پخته گردیده است و این پختگی اش را طی چندین دهه در افغانستان عملاً به نمایش گذاشته است و نه هم دست ساخت های ولایت فقیه!

در این نوشته مؤجز و کوتاه خواستم مکث اندکی روی دو کلمه ای داشته باشم که این سه وحشی، آن دو کلمه را شعار به اصطلاح انتخاباتی شان کرده اند، یعنی: «تحول و تداوم». از آن جائی که در نخست از تناقض گوئی های این جانپان سخن به میان آمد، در این جا نیز جنبه تناقضی این دو کلمه را به شکل مختصر بررسی نموده و این که این «مغز متفکر» (!! ) از بیان این دوکلمه در شکل عجیب باهم چه هدف و مقصدی دارد، نیز اندکی روشن خواهد شد.

«تحول» یعنی: استحاله یافتن چیزی به چیز دیگر، وضعی به وضع دیگر، دگرگون شدن، منقلب شدن، تعویض حالت. «تداوم» یعنی: عکس تحول، دوام یافتن یک چیز در حالت خودش، ادامه پیدا کردن یک وضع، امتداد یافتن یک شیوه، جریان داشتن یک وضع و ادامه پیدا کردن آن تا حدی که به وضع متفاوت از آن بدل نشود؛ یعنی «همان آس و همان کاسه» باقی ماندن، یعنی: «همان خَرک و همان دَرک»!

برای این که بتوان معنای این دو کلمه را در وضع فعلی افغانستان درک کرد، نیاز است تا شاخصه های عمده وضع فعلی افغانستان را بر شمرده و «تداوم» آن را نیز مشخص کرد و در صورتی که این وضع، به وضع دیگری «تحول» یابد، نیز باید روشن شود که بدیلش چگونه وضعیتی است.

معرف افغانستان امروزی این ها هستند: در قدم اول یک کشو اشغال شده با یک اداره مستعمره، پوشالی و فاسد، قربانی شدن روزانه ده ها هموطن بی گناه ما به بهانه تروریزم، زرع وقاچاق مواد مخدر در بالاترین مدارج آن از جانب استعمار گران و دست پروردگانش، عمیق تر شدن هر روزه فاصله بین فقری که بیش از ۹۰٪ هموطنان ما با آن دست در گریبان اند و ثروتی که از خون این ۹۰٪ مردم ما به دست آمده و در جیب ۱۰٪ جنایتکار و خونریز می ریزد (انباشت ثروت در یک سوء و تجمع فقر و فلاکت و بی نواهی در سوی دیگر)، حیف و میل داشته های مادی کشور ما از جانب اشغالگران و پابوسانش، تحریص و تجهیز نیروی واپس گرای طالبان از طرف امپریالیزم اشغالگر و ایجاد زمینه مناسب جهت استفاده بهینه از کشور و مردم ما، انتحار و انفجار، بیکاری مفرط، فقر غیر قابل تحمل و... این ها هستند از مشخص ترین نشانه های افغانستان امروز.

زمانی که «مغز متفکر» با اداء و اطوار تمام، شعار «تداوم» این وضع را می دهد، یعنی که ای مردم! من نمی خواهم شمارا به دنبال نخود سیاه سرگردان کنم، آینده شما در پیش شما است و امروز شما، آینده شماست. نه در انتظار صلحی باشید و نه خواهان امنیتی، نه خارج نمودن قوای اشغالگر را از ما بخواهید (چرا که در توان ما نیست و اگر آن ها نباشد، ما هم نیستیم!!) و نه آبادی وطن تان را از ما بخواهید، نه چشم به راه بهبودی وضعیت اقتصادی و سیاسی تان باشید و نه خواستار رهائی از چنگ طالبان!

ای مردم! پشت استقلال مستقل نگرید که دست نیافتنی است و ما هم برای تلاش در این راه، اراده نداریم. ای مردم! به من رأی می دهید یا نمی دهید، دل تان و بایسکل تان، اما اگر خواست خدا و امریکا باشد، من بدون رأی شما هم می توانم چوکی ریاست جمهوری را به دست بیاورم و خانه و جیب تان را خالی کنم. ای مردم! چه زحمت تان بدهم، «آواز دُهل از دور خوش است» ولی من صاف و ساده برای تان عرض می کنم:

هرکسی که جنایت ها و وحشی گری های چهار دهه اخیر افغانستان را به چشم سر خود دیده است، قسم به خدای لایزال و مریم مقدس که من هم نمی خواهم به اندازه سر سوزنی از آن وضعیت منحرف شده و در بیراهه گام گذارم. باتمام توان و قدرت خود اعلام می کنم که آمده ام تا در «دوام» همان وضعیت بذل مساعی کنم و در راه «تداوم» آن وضعیت از هیچ زحمتی فروگذار نشوم. من ادامه دهنده همان وضعیت هستم!

این یعنی: «تداوم»! ولی زمانی که یک شخص در یک شعار، در کنار این «تداوم»، کلمه «تحول» را نیز اضافه می کند، وضع غریب تر می شود. ببینیم که در وضعیت فعلی افغانستان، تحولی که در نقطه مقابل تداوم می نشیند، حامل چه باری است:

خروج قوای اشغالگر و افغانستان آزاد و رها از چنگال امپریالیزم اشغالگر، دولت مستقل و مقتدر و دموکراتیک و مردمی، دچار شدن جنایتکاران و زالوها به سزای اعمال شان یعنی محاکمه جنایتکاران، منع کشت و قاچاق مواد مخدر و تلاش جهت تداوی معتادان این کشور، اقتصاد روبه رشد و سالم، صلح و امنیت سرتاسری و عدالت همگانی، عدم مداخله «المخابرات العامه»، «سی.آی.ای»، «اف.اس.ب»، «آی.اس.آی»، «او.ا.ک»، «موساد»، «ام.آی.۶» و دیگر سازمان های جاسوسی و استخباراتی و عدم تربیه نوکر و جاسوس از جانب همان سازمان ها، عدم تجهیز و تکمیل نیروی قرون وسطائی طالبان از جانب امپریالیزم و نفرستادن این نیرو جهت به خاک و خون کشانیدن مردم ما و... این ها هستند همان معنائی که در وضعیت فعلی افغانستان، کلمه «تحول» با خود حمل می کند. زمانی که این معناها را گرفته و به سراغ اشرف غنی جاسوس و تیم جنایتکارش رفته و در برابرشان قرار دهیم، می بینیم که هم اشرف غنی جاسوس و هم آن دوزدور هم کاسه اش، تُنبان سنگین می کنند و رو به فرار می گذارند، یعنی میان آن سه مزدور و جاسوس و این کلمات پر ارزش: «تفاوت از زمین تا آسمان است»! و اشرف غنی و تیش با استقلال و امنیت و عدالت و انساندوستی سرسازش نداشته و دشمنی دیرینه دارند.

خواننده های عزیز! شما خود ببینید و بنویسید که مقصد این جاسوس «متفکر»؟؟ از بیان این دوکلمه متضاد در یک شعار، چه بوده می تواند. در صورتی که این جاسوس بی وجدان بازبان خود اعلام می کند که خواهان «تداوم» وضعیت فعلی است، پس هدفش از «تحول» مگر چه بوده می تواند؟ و در صورتی که «تحول» را باهمان معنای نوشته شده در بالا بپذیریم، پس مگر «تداوم» چه کاره است؟

نوت: از این که این «مغز متفکر»(!!؟؟) چرا به جای «دکتور»، «داکتر» نوشته می کند، نیز مریم مقدس می داند که هدفش چه است!!

نوت: هدف از نگارش این مطلب نه این است که دیگر کارها و شعارهای این جنایتکاران عین لطف و مهربانی است فقط همین یک اشتباه را دارد، بلکه در کنار این که ما چنین سگ دوی جنایتکاران و آن چنان انتخاباتی را که به دستور امپریالیزم اشغالگر برگزار گردد، از بیخ و بُن نامشروع دانسته و تحریم می کنیم، خواستیم گوشه ای از مهمل بافی های «مغز متفکرین» (!!)) این کشور اشغال شده را نیز نشان داده باشیم.